

## **Building theory to the Iranian Islamic Model of Progress based on the meta-synthesis method**

**Yahya Fozi\***

Received: 2020/09/27

**Mohammad Mahmoodikia\*\***

Accepted: 2021/08/17

**Farahnaz Naimi\*\*\***


During the last decade, various works have been published in the field of humanities regarding the Iranian Islamic model of progress. This article has tried to present the findings of these researches using the meta-synthesis method, coherent and comprehensive theories on what and why this model offer. And to answer the question that using the composition of the findings of the works written about the Iranian Islamic Model of Progress (IIMP), what theory can be presented to explain the IIMP? The findings of this study indicate that this model was formed in response to solving the problems of the political system of the IR.Iran and the root of the problem is the lack of theoretical coherence regarding the role of Iranian Islamic components in the development of Islamic anthropology. And accept the emphasis on the relationship between religion and development, in which "strengthening the Islamic political-jurisprudential reading", "efficient provincial jurisprudential democracy", "economic power", strengthening religious and national identity and "alignment with science and technology" are the main categories extracted from the findings. The abstract concept of these meta-categories can be considered as "coherent and theoretical plans for the promotion of national and international power of the Islamic Republic of Iran." In fact, the model is a roadmap to move towards the promotion of national and international power of Islamic Iran, and although it does not seek to change the goals, ideals and an important part of the existing structures, but has a reformist approach and seeks to eliminate weaknesses and theoretical gaps.

**Keywords:** Development, Iranian-Islamic model of progress, Islamic Republic of Iran, Localization, Meta-synthesis method.

---


\* Professor of Political Science, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

fozi@ihcs.ac.ir

 0000-0002-2636-5839


\*\* Assistant Professor of Political Thoughts in Islam, The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, I.R.Iran.

mahmoodikia@ri-khomeini.ac.ir

 0000-0002-9679-9405

\*\*\* Ph.D. Student in Political Science, Azad University, Center Branch, Tehran, I.R.Iran.

naimi1383@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

## نظریه‌ای برای فهم چرایی، چیستی و چگونگی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مبتنی بر روش فراترکیب<sup>۱</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶

مقاله برای بازنگری به مدت ۹ روز نزد نویسندگان بوده است.

یحیی فوزی\*

محمد محمودی کیا\*\*

فرحناز نعیمی\*\*\*

### چکیده

از آنجا که آثار مختلفی در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منتشر شده؛ این مقاله تلاش دارد تا با استفاده از روش فراترکیب، نظریه‌ای منسجم و فراگیر در خصوص چیستی و چرایی این الگو ارائه دهد. یافته این پژوهش حکایت از آن دارد که این الگو در پاسخ به حل مشکلات نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و ریشه مشکل را فقدان انسجام نظری در خصوص نقش مؤلفه‌های اسلامی ایرانی در پیشرفت معطوف به غایات انسان‌شناسی اسلامی، می‌داند و لذا بر ارائه خوانشی واحد و مقبول از نسبت دین و توسعه تأکید دارد. ارکان اصلی این الگوی پیشنهادی عبارتند از: «تقویت خوانش اسلامی سیاسی فقهی» از «مردم‌سالاری دینی کارآمد»، «نقش محوری قدرت اقتصادی»، «ضرورت تقویت هویت دینی و ملی» و بالاخره «هم‌سویی با علم و فناوری». محققان مجموع یافته‌های تحلیلی را ذیل عنوان کلان «نقشه‌ای منسجم و نظری برای ارتقاء قدرت ملی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به منظور نیل به الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت»، سامان‌دهی و ارائه نموده‌اند.

**واژگان کلیدی:** الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جمهوری اسلامی ایران، روش فراترکیب، توسعه، پیشرفت، بومی‌سازی.

\* استاد علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

yahyafozi@yahoo.com

0000-0002-2636-5839

\*\* استادیار اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mmahmoudikia@yahoo.com

0000-0002-9679-9405

\*\*\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

naimi1383@gmail.com

0000-0000-0000-0000

## مقدمه

**بیان مسئله:** اندیشه الگوی بومی از توسعه در ایران، از دوران قاجاریه و به خصوص بعد از جنگ‌های ایران و روس مطرح گردیده، در زمان مشروطه و پهلوی و در سال‌های بعد از انقلاب تداوم داشته است. در سال‌های بعد از انقلاب و با غلبه گفتمانی نوگرایان دینی، این مباحث وارد مرحله تازه‌ای شد که نتیجه آن پذیرش ضرورت تأسیس الگوی جدیدی با عنوان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بوده و در نهایت به تدوین «سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» در سال ۱۳۹۷ انجامید (سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷). بر این اساس حجم قابل‌توجهی از آثار تخصصی تولید و منتشر شده که می‌تواند نسبت به تحلیل و جمع‌بندی آنها برای رسیدن به رویکردی ترکیبی و جامع اقدام نمود. پژوهش حاضر این مسئله را در دستور کار دارد.

**اهمیت:** ارائه بینش و دانش عمیق‌تر و جدید در خصوص الگوهای بومی دینی از پیشرفت در ایران و کمک به تقویت طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران، بیانگر اهمیت نظری و کاربردی این پژوهش است.

**ضرورت:** کاستی در اجماع نظری در خصوص فهم جامع از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آثار پژوهشگران ایرانی، به تضعیف سیاست‌های عملی در این حوزه منجر می‌شود؛ بنابراین انجام پژوهش حاضر دارای ضرورت کاربردی می‌باشد.

**اهداف:** هدف اصلی، تقویت رویکرد بومی در مقام ارایه نظریه‌ای برای تبیین چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. اهداف فرعی نیز عبارتند از: یکپارچه‌سازی یافته‌های مطالعات منتخب، کمک به شکل‌گیری درکی عینی از هسته مرکزی این خوانش‌ها، و کشف مفاهیم محوری در خصوص مفهوم الگوی بومی پیشرفت در ایران.

**سؤال‌ها و فرضیه:** این پژوهش فرضیه آزما نیست و محققان این چند سؤال را مطرح نموده‌اند: سؤال اصلی عبارتست از اینکه: با استفاده از ترکیب یافته‌های آثار نگاشته شده درباره الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، چه نظریه‌ای را می‌توان برای فهم و تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه نمود؟ در این ارتباط پرسش از چیستی الگوی پیشرفت و توسعه؛ و چیستی ابعاد و مؤلفه‌های بومی الگوی پیشرفت، دو سؤال فرعی‌ای است که مورد توجه قرار گرفته است.

## ۱. پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه موضوع پژوهش حاضر می‌توان به چند دسته از پژوهش‌ها اشاره کرد:

### ۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

این موضوع به‌طور مشخص در قالب یک مقاله در دانش سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. خانی (۱۳۹۵) می‌کوشد تا در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، الزامات طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را مورد نقد و بررسی قرار دهد. محقق این‌گونه استنتاج می‌نماید که در جهان معاصر نمی‌توان به الگویی از توسعه و پیشرفت دست یافت که در آن تعامل پیشینی و پسینی فعال با جهان خارج و سازوکارهای عملیاتی کردن آن لحاظ نشده باشد؛ چنین گزینه‌ای نه مطلوب است و نه ممکن است.

### ۲-۱. آثار مرتبط با الگوی پیشرفت در سایر منابع

با توجه به اهمیت موضوع توسعه و پیشرفت، شاهد انتشار منابع متعددی در این حوزه هستیم که می‌توان آنها را از حیث رویکرد محتوایی‌شان به دو گروه اصلی تقسیم نمود:

#### الف. آثار مرتبط با الگوی پیشرفت

در این آثار عموماً مبانی نظری و نتایج عملی پیشرفت و توسعه مورد بحث بوده و می‌توان در این خصوص به موارد زیر اشاره داشت: جمشید (۱۳۸۵)، غنی‌نژاد (۱۳۷۷)، آوینی (۱۳۷۶)، فوزی (۱۳۸۰)، نصیری (۱۳۸۱). از یافته‌های این منابع بیشتر در ساماندهی مبانی نظری پژوهش حاضر استفاده شده است.

#### ب. آثار مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

این گروه از آثار بر موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تمرکز دارند و به بحث نقش دین و بوم‌زیست ایران در الگوهای توسعه و پیشرفت پرداخته‌اند و حجم بالایی از پیشینه این پژوهش را شکل داده و ارتباط تنگاتنگی با این پژوهش دارند. با مراجعه به پایگاه‌های اسنادی و پرتال جامع علوم انسانی، مگ‌ایران و نورمگز، مشخص می‌شود که بیش از ۱۶۰ عنوان مقاله و ۷۰ کتاب و بیش از چهل رساله و پایان‌نامه در این حوزه منتشر شده که در این پژوهش ۷۵ مقاله منتشر شده، ۱۷ رساله دکتری و نیز ۳۱ کتاب و

تک‌نگاشت که عمده‌تاً توسط مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منتشر شده، انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفته است. آثار پژوهشی استفاده شده در این پژوهش به شرح جدول ذیل است:

**جدول شماره (۱): پیشینه پژوهش**

مقالات
(علی‌پور، ۱۳۹۸)، (نوروزی، ۱۳۹۱)، (بهمن، ۱۳۹۷)، (برزگر، ۱۳۹۶)، (متقی و دیگران، ۱۳۹۴)، (یوسف‌زاده، ۱۳۹۴)، (بوالحسنی و دیگران، ۱۳۹۸)، (علی احمدی و سلامت، ۱۳۹۲)، (حبیبی، ۱۳۹۷)، (شمس دولت‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۴)، (افتخاری، ۱۳۹۲)، (سنچولی، ۱۳۹۲)، (بهمن و دیگران، ۱۳۹۵)، (شاکرین، ۱۳۹۵)، (حبیبی بدرآبادی، ۱۳۹۰)، (شاکرین، ۱۳۹۲)، (خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱)، (شاکرین، ۱۳۹۳)، (خلدپرست و دیگران، ۱۳۹۵)، (فتحی، ۱۳۹۶)، (جمشیدی‌ها و عرفان‌منش، ۱۳۹۳)، (خاندوزی، ۱۳۹۲)، (هراتی و آزرمی، ۱۳۹۷)، (افجه‌ای و دیگران، ۱۳۹۳)، (مصلائی‌پور و امینی، ۱۳۹۲)، (شعبانی و دیگران، ۱۳۹۱)، (حسنی‌فر، ۱۳۹۴)، (جمشیدی‌ها و نوذری، ۱۳۹۰)، (شتابدار و زمانی علی‌آبادی، ۱۳۹۴)، (جداری عالی، ۱۳۹۵)، (لک‌زایی و دیگران، ۱۳۹۴)، (خلیلیان و دیگران، ۱۳۹۲)، (قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵)، (عیسوی و زریباف، ۱۳۹۵)، (واعظی، ۱۳۹۰)، (کریمی، ۱۳۹۱)، (بهمن و جعفری‌نژاد، ۱۳۹۶)، (خسروانی و دیگران، ۱۳۹۶)، (پورسعید و عاشوری، ۱۳۹۳)، (نظری و عیوضی، ۱۳۹۶)، (جعفری‌نژاد و بهمین، ۱۳۹۶)، (سرپرست‌سادات و صالحی حاجی‌آباد، ۱۳۹۶)، (خلوصی، ۱۳۹۱)، (شیرخانی و ابراهیمی ورکیانی، ۱۳۹۷)، (بهمین، ۱۳۹۷)، (پورعزت و عبدی، ۱۳۹۸)، (اخوان کاظمی، ۱۳۹۳)، (نقی‌پورفر و جعفری‌پور، ۱۳۹۰)، (افجه‌ای و جعفری‌پور، ۱۳۹۱)، (سیدباقری، ۱۳۹۶)، (بانشی، ۱۳۹۰)، (طاهری، ۱۳۹۰)، (زریباف، ۱۳۹۲)، (برزگر، ۱۳۹۶)، (شریف‌زاده، ۱۳۹۲)، (موحدی و رضایی، ۱۳۹۱)، (دانش‌پور، ۱۳۹۴)، (صادقی و محسنی، ۱۳۹۲)، (درخشان، ۱۳۹۱)، (مصطفوی، ۱۳۹۷)، (سیف‌الدین و رهبر، ۱۳۹۲)، (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵)، (پیک‌حرفه، ۱۳۹۱)، (عبدالملکی، ۱۳۹۱)، (امام‌جمعه‌زاده و محمودی رجا، ۱۳۹۴)، (جوهری و دیگران، ۱۳۹۶)، (مظاهری و کافی، ۱۳۹۴)، (توکلی و بادی‌وند، ۱۳۹۵)، (قادری، ۱۳۹۲)، (ابطحی و رزمجو، ۱۳۹۰)، (حاجی‌سیاری، ۱۳۹۶)، (اسماعیلی گیوی و دیگران، ۱۳۹۷)، (حسینی و دیگران، ۱۳۹۴)، (پورعزت و عبدی، ۱۳۹۷).

کتاب‌ها
(دلالی اصفهانی و بخشی دستجردی، ۱۳۹۵)، (قلی‌پور و محملی ایبانه، ۱۳۹۳)، (نبوی، ۱۳۹۳)، (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۳)، (بنیانیان، ۱۳۹۳)، (فاتح‌راد و تقوی، ۱۳۹۳)، (شاکرین، ۱۳۹۳)، (نوروزی آورگانی، ۱۳۹۳)، (سلیمی‌فر، ۱۳۹۳)، (مشکات، ۱۳۹۳)، (شیخی و همکاران، ۱۳۹۳)، (رودگر، ۱۳۹۳)، (علیدوست، ۱۳۹۳)، (مختاریان‌پور، ۱۳۹۵)، (سوزنچی کاشانی، ۱۳۹۴)، (میرسندسی، ۱۳۹۴)، (ابطحی و دیگران، ۱۳۹۴)، (جعفری صمیمی، ۱۳۹۴)، (حنفی‌زاده و محرابیون محمدی، ۱۳۹۳)، (یوسفی، ۱۳۹۴)، (سلیمی‌فر و مطلبی، ۱۳۹۴)، (سرآبادانی و طباطبائیان، ۱۳۹۴)، (حاجی‌ناصری و کرد، ۱۳۹۶)، (شکیبایی‌فر و دیگران، ۱۳۹۶)، (نبوی، ۱۳۹۵)، (نوروزی، ۱۳۹۵)، (احمدی، ۱۳۹۵)، (شجاعیان، ۱۳۹۳)، (جعفری صمیمی و لعل‌خضری، ۱۳۹۵)، (غباری بناب و نصرتی، ۱۳۹۴)، (میرخانی، ۱۳۹۴)، (سلامت، ۱۳۹۳).

پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری تخصصی
(افخمی اردکانی، ۱۳۹۰)، (مؤذن، ۱۳۹۱)، (ردادی، ۱۳۹۴)، (محمدی، ۱۳۹۶)، (کنعانی، ۱۳۹۶)، (معینی‌پور، ۱۳۹۵)، (محمدی، ۱۳۹۶)، (جعفرپور، ۱۳۹۰)، (هاشمی، ۱۳۹۱)، (لک‌زایی، ۱۳۹۵)، (توسلیان، ۱۳۹۳)، (اکبرزاده، ۱۳۹۳)، (هندی ورکانه، ۱۳۹۳)، (حسنی قره‌تپه، ۱۳۹۲)، (صداقت، ۱۳۹۷)، (سکینه خواجه، ۱۳۹۶)، (بوذرپور، ۱۳۹۸).

## ۲. مبانی مفهومی و نظری

مفهوم و نظریه محوری این پژوهش را «پیشرفت» شکل می‌دهد که در ادامه معنا و نظریه منتخب ارائه می‌شود:

### ۲-۱. تحول هویت تاریخی پیشرفت

پیشرفت به‌عنوان یک تغییر و تحول بیرونی و تغییر و در نوع رابطه انسان با طبیعت است. این مفهوم در اصطلاح به معنای تغییرات و تحولاتی است که بعد از رنسانس در اروپا و کشورهای غربی در عرصه علم، فناوری و سبک زندگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی شکل گرفت و بخشی از متفکران این تغییر و تحولات را با یک فلسفه تاریخ پیوند داده و این تحولات را در راستای حرکت جبری و تک‌خطی جوامع بشری به

سوی هدف مشخص دانستند (Hegel, 1997). در واقع، مفهوم جدید از پیشرفت از یک سو در بردارنده مجموعه‌ای از تحولات و تغییرات در جهان و محیط بیرونی بشر و مبتنی بر عقل بشری بود و از سوی دیگر در بردارنده تصور یک روند و حرکت کلان در تاریخ جوامع بشری به سوی غایت مشخصی است (Mills, 1970, p. 123)، که این نوع تعریف به پیشرفت تا بیش از دو قرن بر اندیشه بشر همچنان سایه افکنده است. اما به تدریج در اوایل قرن بیستم این نوع تعریف تعدیل شد و ابعاد فلسفه تاریخی آن تضعیف گردید و اعتقاد به یک روایت کلان از حرکت تاریخ به سوی مسیر معین زیر سؤال رفت (ویر، ۱۳۷۴) و لذا بحث از پیشرفت بعد از جنگ جهانی در قالب نظریات توسعه تداوم یافت در واقع در نظریات توسعه عمدتاً بر نحوه برنامه‌ریزی برای ایجاد تحولات در جوامع مختلف تأکید می‌شود و ابعاد فلسفه تاریخی و اعتقاد به مسیر یکسان‌انگارانه برای پیشرفت در همه جوامع کم‌رنگ و به کنار گذارده شد و تعریف جدیدی از پیشرفت مطرح گردید (So, 1990, p. 43).

## ۲-۲. ماهیت پیشرفت

تعریف از مفهوم پیشرفت بر اساس یک تعریف پسینی، تعریفی طیف‌گونه است و هنوز در حال صیقل خوردن است (Webster, 1990)، اما گوهر این تعریف را می‌توان ایجاد مجموعه‌ای از تغییرات و تحولات در محیط توسط عوامل انسانی مبتنی بر یافته‌های علمی برای رسیدن به اهداف مشخص همچون رفع نیازهای اولیه و رفاهی و در نهایت در حوزه آرمان‌های اخلاقی و ارتقاء کیفیت زندگی بشر و ارتقاء کارآمدی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست (بولارد، ۱۳۵۴)، که جهت‌گیری‌های این پیشرفت نیز می‌تواند تحت تأثیر عوامل فرهنگی اشکال مختلفی به خود گیرد.

## ۳-۲. تجربه ایران در حوزه «پیشرفت»

در تبیین شیوه و الگوی پیشرفت در ایران بعد از انقلاب، سه جریان مارکسیستی، لیبرال و اسلام‌گرا در عرصه کشور فعال شدند و به ارائه نقطه نظرات خود در خصوص چگونگی ساختن کشور و الگوی پیشرفت کشور به سمت شرایط مطلوب به ارائه نظرات خود پرداختند. در حالی که جریان‌های لیبرال و کمونیست از الگوی تجددگرایی سکولار مبتنی

بر لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی و تثبیت ارزش‌های منتسب به این قالب‌های فکری در کشور دفاع می‌کردند، جریان اسلام‌گرا از یک مدل بومی اسلامی در بازسازی کشور سخن می‌گفت (فوزی، ۱۳۸۰، ص. ۱۹۰)؛ الگویی که آموزه‌های اسلامی نقش مهمی در حوزه‌های مختلف سیاسی اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کرد.

#### ۲-۴. الگوی بومی پیشرفت

جریان اسلام‌گرا در نحله‌های مختلف خود، از آرمان حرکت به سوی احیاء تمدن اسلامی دفاع می‌کند اما در عین حال، در خصوص ویژگی‌های مدل تمدن اسلامی مورد نظر خود دیدگاه‌های مختلفی دارند که عبارتند از:

#### الف. رویکرد تجددگرایی دینی

این رویکرد با محوریت فقه و اجتهاد به موضوع نگاه می‌نماید و از نوعی تجددگرایی منطبق با فقه پویا حمایت می‌نماید و لذا می‌توان آن را نوگرایی فقهی نامید (فوزی، ۱۳۸۲). قائلان به این دیدگاه از یکسو، بخشی از دستاوردهای تجدد غربی را ناسازگار با جهان‌بینی، انسان‌شناسی و آموزه‌های دینی و اجتهادات فقهی دانسته و آن را نقد کرده و تمدن غرب را، تمدنی ناقص می‌دانند و معتقدند که بر نوعی شناخت ناقص از انسان بنا شده است و خواستار اصلاح و تکمیل آن در پیوند با دین می‌باشند، و از سوی دیگر بخشی از دستاوردهای تمدن جدید را به عنوان تمدنی که به بهبود زندگی بشر کمک نموده است تحسین می‌کنند و آن را مورد تأیید دین و هم‌سو با اجتهادات فقهی می‌شمارند (مطهری، ۱۳۷۸، ص. ۸۷).

#### ب. رویکرد نوگرایی دینی

در این رویکرد محوریت با عقلانیت دنیای مدرن است و مبتنی بر پذیرش اصل حداقل‌گرایانه به گستره دین و عدم اعتقاد به یکپارچگی کلیت غرب است و لذا دین را در محدوده امور فردی و حداکثر جهت‌گیری‌های کلی سیاسی اجتماعی محدود کرده و وظیفه آن را رشد معنوی و درونی انسان دانسته و لذا گستره محدودی از دخالت دین در امور دنیا را توصیه می‌کردند (بازرگان، ۱۳۶۲، ص. ۱۸) و لذا برنامه‌ریزی برای پیشبرد امور دنیا از جمله توسعه و پیشرفت را به عقل بشری احاله داده و لذا در اندیشه



آنان تجربه بشری در این امر از جمله تجربه تجددگرایی در غرب از اهمیت بالایی برخوردار بود. بر این اساس با محوریت این تجربه بشری تلاش داشتند تا قرائتی از دین را ترویج و تأیید کنند که با آموزه‌های تجدد همخوانی داشته باشد (سروش، ۱۳۶۸، ص. ۴۵). این رویکرد به پیشرفت جایگاه مذهب را تنها در تعیین اهداف کلان معین می‌کنند و ضمن اصل دانستن عقلانیت مدرن و تجدد رویکردی منفعل و انطباق‌جویانه برای مذهب با تجدد قائل بودند و تمدن موردنظر آنها نوعی تمدنی جهانی و عقلانی است که همه جوامع بشری از جمله مسلمانان آن را شکل می‌دهند.

#### **پ. رویکرد تأسیسی**

رویکرد تأسیسی به پیشرفت هر چند وجوه مشترکی با رویکرد اول دارد، اما وجه تأسیسی در آن بسیار برجسته‌تر است. طرفداران این رویکرد ضمن یکپارچه دیدن کلیت غرب، همه ارکان تجدد و بنیان‌ها و دستاوردهای آن را مخالف دین و مبتنی بر اومانیسیم می‌دانند و درصدد الگویی تأسیسی و جایگزین برای پیشرفت مبتنی بر بنیان‌های دینی مبتنی بر نصوص دینی می‌باشند. بر این اساس این جریان فکری تلاش کرد تا با باز تعریف بنیان‌های اسلام سیاسی رویکردی جدید به الگوی پیشرفت در جامعه اسلامی داشته باشد. آنها در مواجهه با غرب و دستاوردهای آن معتقد به استفاده حداقلی و اضطراری (همچون اضطرار در اکل میته در شرایط خاص) از آن می‌باشند (نصیری، ۱۳۸۱، ص. ۶۴).

#### **ت. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**

اما در دهه سوم انقلاب ایران، طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد: «بحثی که برای الگوی پیشرفت می‌کنیم، برای این نیست که می‌خواهیم پیشرفت را شروع کنیم؛ پیشرفت از انقلاب شروع شده، بلکه به این معناست که با بحث نظری و تعریف شفاف و ضابطه‌مند از پیشرفت، قصد داریم یک باور همگانی در درجه اول در بین نخبگان، بعد در همه مردم به وجود بیاید که بدانند دنبال چه هستیم و به کجا می‌خواهیم برسیم و بخش‌های گوناگون نظام بدانند چه کار باید بکنند. این را باید پیدا کنیم» (بیانات رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی

مشهد، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵). به دنبال طرح این ایده توسط رهبری، کارگروه‌های مختلفی به پیگیری آن پرداختند. همچنین مباحث مختلفی در قالب کتاب، مقاله و سخنرانی و رساله‌های دانشگاهی نگاشته شد که این پژوهش تمرکز خود را بر آثار مکتوب مرتبط با این ایده جهت فهم چیستی و چرایی آن در آثار متفکران ایرانی معطوف داشته است.

### ۳. روش پژوهش

با عنایت به هدف پژوهش در این مقاله از روش روش فراترکیب برای تحلیل منابع منتخب و تحلیل یافته‌ها استفاده شده است.

#### ۳-۱. معرفی روش

فراترکیب عمدتاً به صورت کیفی به شیوه کدگذاری متداول در پژوهش‌های کیفی و بر روی مفاهیم و نتایج مورد استفاده در مطالعه‌های گذشته انجام می‌شود. در این روش متون پژوهش‌های گذشته می‌تواند به عنوان داده‌هایی برای پژوهش آتی مورد استفاده قرار گیرد. هدف فراترکیب ایجاد تفسیری خلاقانه و یکپارچه از یافته‌های کیفی است (Sandelowski & Barroso, 2007, p. 87). محققان ساخت نظریه را یکی از اهداف فراترکیب دانسته‌اند و این روش راه‌حل مناسبی برای استفاده از یافته‌های کیفی موجود جهت پردازش نظریه جدید است.

#### ۳-۲. کاربرت روش

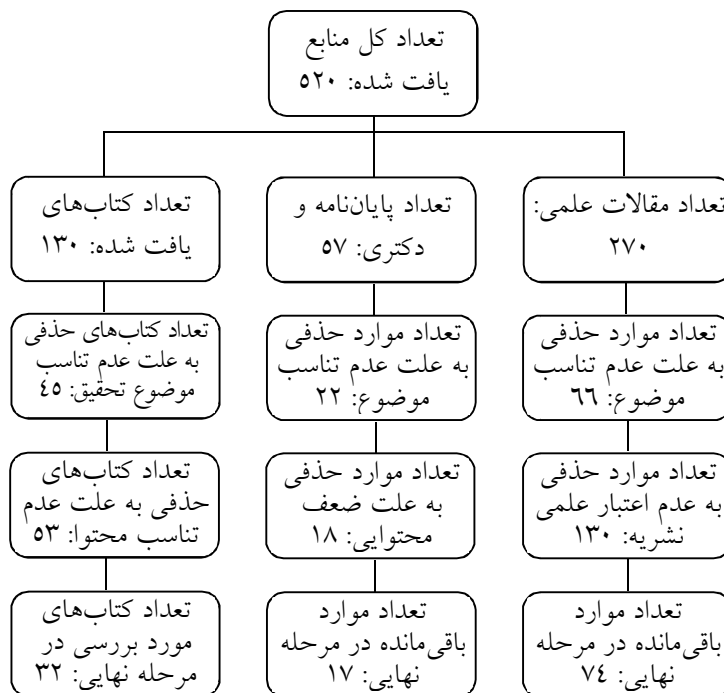
برای عملیاتی نمودن روش فراترکیب، نویسندگان گام‌های اجرایی زیر را برداشته‌اند: گام اول. تعیین قلمرو تحقیق: از آنجا که در این روش قلمرو موضوعی و زمانی بسیار مهم است، محققان نخست این قلمروها را تحدید نموده‌اند. از حیث زمانی، آثار منتشر شده در بازه زمانی چهل ساله بعد از انقلاب در موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنظر بوده است. به این منظور پایگاه‌های داده نشریه‌ها و موتورهای جستجوی مختلف در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۶ مطالعه و بررسی شده است.<sup>۲</sup>

گام دوم. تعیین واژگان کلیدی برای استخراج پژوهش‌ها، واژگان کلیدی مرتبط تعریف و انتخاب شده است. واژه‌های کلیدی مورد نظر عبارتند از: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگوی بومی توسعه، الگوی پیشرفت بومی، دین و توسعه در ایران.

گام سوم. جستجو و انتخاب آثار: کلیدواژه‌های انتخابی در موتور جستجوهای مقاله، کتاب و رساله، ارائه شده و در نتیجه ۷۴ عنوان مقاله و ۱۷ پایان‌نامه و رساله و ۳۲ کتاب یافت شد.

گام چهارم. تعیین کیفیت منابع انتخاب شده: در این روش ابتدا متناسب با سؤال‌های پژوهش موارد انتخاب می‌شوند و سپس برای تعیین کیفیت موارد انتخابی، از یک «برنامه مهارت‌های ارزیابی ضروری» اصلاح شده، استفاده می‌شود. این برنامه ابزاری است که معمولاً برای ارزیابی اولیه کیفیت پژوهش‌های کیفی به کار می‌رود. این برنامه شامل چند سؤال است که به محقق کمک می‌کند تا دقت اعتبار و اهمیت مطالعه کیفی تحقیق را مشخص می‌کند. این سؤال‌ها بر موارد زیر تمرکز دارد: ارتباط عنوانی و موضوعی پژوهش؛ روشمندی پژوهش؛ اعتبار علمی نویسندگان؛ بیان واضح و روشن یافته‌ها. در این مرحله پژوهشگر به هر کدام از این سؤال‌ها یک امتیاز کمی داده شده و به هر منبعی را که پایین‌تر از امتیاز مورد نظر را داشته حذف می‌شود.

شکل شماره (۱): فرایند انتخاب ادبیات پژوهشی



در این مرحله از پژوهش، منابع منتخب و نهایی به منظور دستیابی به یافته‌های محتوایی مرور و اطلاعات مندرج در آنها را دسته‌بندی شد. در این مرحله ضمن ثبت اطلاعات پایه مربوط به هر منبع (نام و نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار مقاله، یافته‌های آن پژوهش با مطالعه چکیده آن) استخراج و در مواردی که چکیده گویا نبوده به نتیجه‌گیری و در صورت نیاز، به کل متن رجوع شده و یافته‌های پژوهش‌ها در قالب گزاره‌های دقیق و صریح و به نحوی که تا حد امکان کوتاه و معنارسان باشند فهرست می‌گردد. در واقع، این کار پراکندگی داده‌ها را در قالب این گزاره‌های فشرده جمع شده و به فهم یافته‌ها انسجام می‌بخشد. به عبارت دیگر از یافته‌های متنی، کدهای باز متصل به متن استخراج می‌شود. این کدها کوچک‌ترین واحد معنادار متن یافته را تشکیل می‌دهند و می‌تواند پایه نخست مفهوم‌سازی محسوب شود.

گام پنجم. ترکیب یافته‌ها: ترکیب یافته‌های پژوهش مختلف مهم‌ترین هدف فراترکیب و وجه ممیزه آن است و لذا این مرحله از اهمیت خاصی برخوردار است. اصولاً سنتز تحقیقات کیفی اجازه می‌دهد تا دانش حاصل از مطالعات کیفی در مورد پدیده‌ای خاص در درک وسیع‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تر از آن پدیده حاصل شود» (Aguirre & Bolton, 2014, p. 280). نتیجه تلفیق ممکن است شامل ایجاد نظریه‌های جدید، ایجاد مدل‌های مفهومی، شناسایی شکاف در تحقیقات، افزودن وسعت درک به دانش موجود، ارائه مدرک برای ارزیابی یا پیاده‌سازی یک خدمت و کمک به تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد باشد (Britten et al., 2002, p. 209) و در این پژوهش هدف ترکیب یافته‌ها و ایجاد نظریه جدید و یا مکمل در خصوص پدیده الگوی اسلامی ایرانی می‌باشد.

گام ششم. تحلیل و طبقه‌بندی یافته‌ها: در این پژوهش از تکنیک ترکیب یافته‌ها بر اساس چهارچوبی از پیش تعیین شده انجام می‌گیرد و به این منظور از چهارچوب فهم منطق درونی نظریه‌های توماس ای. اسپریگنز به‌عنوان مدلی برای فهم اندیشه‌ها کمک خواهیم گرفت. بر این اساس، پرسش‌های مطرح‌نزد اسپریگنز مبنای طبقه‌بندی یافته‌های مختلف پژوهش‌ها خواهد شد. اسپریگنز نظریه‌های سیاسی-اجتماعی را حاصل چهار مرحله یعنی مشکل‌شناسی، علت‌شناسی، آرمان‌شناسی و راه‌حل‌شناسی می‌داند. در قالب این مدل، منابع پژوهشی موردنظر دسته‌بندی شده و یافته‌های آنها که در مرحله قبل کدگذاری باز شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. به این منظور مبتنی بر

نوعی روش عام داده‌بنیاد به برچسب‌گذاری مفهومی کدهای استخراج شده از هر متن و در نهایت مقوله‌بندی این مفاهیم اقدام می‌کنیم تا بتوانیم به مقوله محوری پدیده و در نهایت اکتشاف نظریه از خوشه‌های مقوله‌ای برسیم. این مقولات با عمق مفهومی نیرومند مفصل‌های نظریه برآمده از داده را در نهایت تشکیل خواهد داد و این بلوک‌های مقوله‌ای، مفصل‌های نظریه را تشکیل خواهند داد. در این راستا باید در ابتدا با ترکیب مقولات به محورهای اصلی پدیده رسید که کانونی‌ترین بخش مقوله‌ای و هسته معنایی پدیده مورد مطالعه محسوب می‌شود و اکتشافی افق‌گشا و کلیدی به چیرستی پدیده است و مرکز ثقل نظری محسوب می‌شود.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

با بررسی آثار مختلف و متعددی که طی دهه گذشته در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نگاشته شده و همچنین تحلیل یافته‌های ۷۵ مقاله، ۱۷ رساله و پایان‌نامه و نیز ۳۱ کتاب و تک‌نگاشت انتخاب شده؛ یافته‌های ذیل به دست آمده است:

جدول شماره (۲): مفاهیم و مقولات مستخرج از پیشینه پژوهش

مقولات ۲	مقولات ۱	مفاهیم مستخرج از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده
مشکل‌شناسی	ناهم‌سازی‌های نظری و عملی	رفع ناهم‌سازی‌های درون‌گفتمان توسعه (علی‌پور، ۱۳۹۸) مسئله تعارض بین برنامه‌های ملی و الگو (علی احمدی و سلامت، ۱۳۹۲) هدف الگو تعارض بین برنامه‌های ملی (سلامت، ۱۳۹۳)
	احساس فاصله با آرمان‌های انقلاب	ظرفیت‌های انقلاب اسلامی برای تمدن‌سازی (نوروزی، ۱۳۹۱) مقدمه پیشرفت مبتنی بر آرمان‌های انقلاب (سنچولی، ۱۳۹۲) شیوه اثربخشی پیشرفت اسلامی ایرانی الگو در جهان اسلام (بهمن، ۱۳۹۷) الگوسازی برای جهان اسلام (بهمن، ۱۳۹۷) توجه به امت اسلامی (سرپرست‌سادات و صالحی، ۱۳۹۶)
	دغدغه امنیت پایدار	الگو متناسب با الزامات امنیت و دفاع ملی (حبیبی، ۱۳۹۷) افزایش سطح امنیت (شمس دولت‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۴) ارتباط الگو با امنیت در دو سطح انفعالی و فعال (افتخاری، ۱۳۹۲)

مقولات ۲	مقولات ۱	مفاهیم مستخرج از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده
		<p>حفظ امنیت پایدار (برزگر، ۱۳۹۶)</p> <p>امنیت هویت (متقی و دیگران، ۱۳۹۴)</p> <p>ضرورت هماهنگی پیشرفت با جهان‌بینی (سلیمی‌فر، ۱۳۹۳)</p> <p>ساماندهی و مدیریت بهینه کلیه فعالیت‌ها و دستیابی به یک نظام فکری در راستای اهداف غایی انقلاب اسلامی (بنیانیان، ۱۳۹۳)</p> <p>کارکرد متمایز به دلیل تمایز با جوامع غیراسلامی (یوسف‌زاده، ۱۳۹۴)</p> <p>ضرورت تدوین الگوی شهرسازی و سبک معماری متناسب با ایران و اسلام (قلی‌پور و محملی‌ایبانه، ۱۳۹۳)</p> <p>وضعیت و نابسامانی‌های موجود خانواده در جهان و همچنین جهان‌بینی و آمال و اهداف متفاوت هر کشور (خواججه، ۱۳۹۶)</p> <p>کاستی‌های برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی بومی در ایران (قلی‌پور و محملی‌ایبانه، ۱۳۹۳)</p> <p>نقد اکتفا به شاخص‌های غربی پیشرفت در سال‌های گذشته (مختاریان‌پور، ۱۳۹۴)</p>
	چالش‌های هویت دینی بومی در عرصه اجتماعی فرهنگی	<p>چالش‌های مشارکت سیاسی در ایران (محمدی، ۱۳۹۶)</p> <p>ضعف‌های «مقومات رقابت سیاسی» و «کثرت‌سالاری چهارچوب‌مند»، چالشی برای مردم‌سالاری دینی (اخوان کاظمی، ۱۳۹۳)</p> <p>نیاز به منطقی برای حل تضادهای بین مشروعیت و کارایی در کشور به‌عنوان زمینه‌ساز پیشرفت (شاکرین، ۱۳۹۵)</p>
	تداوم مشکلات اقتصادی	<p>رانتریسم مهم‌ترین چالش اقتصادی کشور (توسلیان، ۱۳۹۳)</p> <p>نقش نهادی نفت در اقتصاد ایران به آسیب‌شناسی اقتصاد ایران (حیدری و دیگران، ۱۳۹۵)</p> <p>چالش ارتباط دو نظام مالی (نظام مالی مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی کشور (موحدی و رضایی، ۱۳۹۱)</p> <p>نقد لیبرالیسم اقتصادی و ضعف‌های آن (شجاعیان، ۱۳۹۳)</p> <p>کاهش فقر و نابرابری‌های موجود بین شهر و روستا (جوهری</p>

مقولات ۲	مقولات ۱	مفاهیم مستخرج از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده
		و دیگران، ۱۳۹۶) ضرورت الگو بخاطر چهار منطبق شامل عقل معاش، فلسفی، دینی و الزامات ایرانی (مشکات، ۱۳۹۳)
تحلیل ریشه‌های بحران	تفاوت الگوهای غربی با اسلامی	تمایز مفهوم عدالت با الگوهای غربی (بهمن و جعفری‌نژاد، ۱۳۹۶) تفاوت‌های بنیانی دو الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و لیبرال دموکراسی (خداپرست و دیگران، ۱۳۹۵) تفاوت‌های مهم بنیان‌های پیشرفت اسلامی با پست مدرنیسم (هراتی و آزرمی، ۱۳۹۷) ضعف پارادایمی لیبرال دموکراسی (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۳) نقد سرمایه‌داری و تضاد آن با آزادی (سوزنچی کاشانی، ۱۳۹۴) پیری جمعیتی و ربا دو چالش مهم در نظام سرمایه‌داری (شیخی و همکاران، ۱۳۹۳) تفاوت الگوی مدیریتی در اسلام با الگوهای غربی (نقی‌پورفر و جعفرپور، ۱۳۹۰) تفاوت بین مبانی سند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و طرح الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت (بوذرپور، ۱۳۹۸)
	تعریف خاص اسلام از پیشرفت	ملازمه سه رکن «عقلانیت»، «معنویت» و «عدالت» در موضوع پیشرفت (فتحی، ۱۳۹۶) پیشرفت مرتبط با قوت علم (به‌ویژه علوم انسانی اجتماعی) و الگوهایی از خرده‌نظامات اجتماعی (یعنی سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت و خانواده) (جمشیدی‌ها و عرفان‌منش، ۱۳۹۳) الزامات معنویت بر مؤلفه‌های فکر، علم، زندگی در الگوی پیشرفت (حاجی سیاری، ۱۳۹۶) ارتباط سه عنصر علم، محبت و آزادی جهت تحقق پیشرفت (شعبانی و دیگران، ۱۳۹۱) شاخص‌های عدالت، عقلانیت، معنویت (ابطحی و رزمجو، ۱۳۹۰)

مقولات ۲	مقولات ۱	مفاهیم مستخرج از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده
	<p>عملیاتی نشدن چگونگی نقش دین در الگوی پیشرفت</p>	<p>الزامات و تمهیدات زیر تدوین الگوی پایه پیشرفت در دو بعد حقوقی و فرهنگی برای تقویت نهاد خانواده (خواجه، ۱۳۹۶)</p> <p>نقش بنیان‌های دینی در نوع نگاه به مؤلفه‌های سیاسی پیشرفت (محمدی، ۱۳۹۶)</p> <p>الگوی رهبری اثربخش سازمانی متناسب با مبانی اسلامی و مقتضیات محیطی و تاریخ ایران (افجه‌ای و دیگران، ۱۳۹۳)</p> <p>ظرفیت گسترده اسلام در حمایت از پیشرفت (شاکرین، ۱۳۹۵)</p> <p>رابطه تنگاتنگ دین و پیشرفت در همه جوامع (فتحی، ۱۳۹۶)</p> <p>تأثیر ژئوپلیتیک بر الگو (بوالحسنی و دیگران، ۱۳۹۸)</p>
	<p>عدم بنیان الگو بر خوانش واحد و مقبول از دین</p>	<p>پی‌ریزی الگو مبتنی بر خوانش مقبول اندیشمندان مسلمان از اسلام (شاکرین، ۱۳۹۵)</p> <p>پی‌ریزی الگو مبتنی بر خوانش واحد و مقبول از اسلام (خاندوزی، ۱۳۹۲)</p> <p>توجه به اندیشه‌های امام (افخمی اردکانی، ۱۳۹۰)</p> <p>پیوند الگو با اسناد فرادستی و راهبردی (خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱)</p> <p>توجه به تجربه امام علی برای مقابله با فقر (اکبرزاده، ۱۳۹۳)</p>
<p>آرمان‌ها</p>	<p>حیات طیبه به‌عنوان رفع نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه</p>	<p>توجه به آرا اندیشمندان مسلمان در خصوص مدینه فاضله (حبیبی بدرآبادی، ۱۳۹۰)</p> <p>شایسته‌سالاری، نظام سلسله‌مراتبی، نخبه‌گرایی، محوریت خدا شاخص‌های مدینه فاضله (حسنی‌فر، ۱۳۹۴)</p> <p>حیات طیبه به‌عنوان شناخت کامل‌تر از ابعاد خوشبختی انسان (سلیمی‌فر و مطلبی، ۱۳۹۴)</p> <p>پیشرفت مبتنی بر عدالت، زمینه‌ساز دستیابی به حیات طیبه (جعفری‌نژاد و بهمن، ۱۳۹۶)</p>
	<p>الگویی کامل‌تر از تجدد غربی</p>	<p>تکمیل خرد غربی در الگوی اسلامی (جمشیدی‌ها و نوذری، ۱۳۹۰)</p> <p>فراتر از شاخص توسعه انسانی (خلیلیان و دیگران، ۱۳۹۲)</p> <p>ضرورت شاخص‌سازی پیشرفت با لحاظ‌کردن ارزش‌ها و</p>



مقولات ۲	مقولات ۱	مفاهیم مستخرج از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده
		<p>غایات دینی (مختاریان‌پور، ۱۳۹۴)</p> <p>تعدیل شاخص توسعه انسانی با رویکرد اسلامی ایرانی پیشرفت (شکیبایی فر و دیگران، ۱۳۹۶)</p> <p>خوانشی جدید «سرمایه‌داری» خوانشی جدید از «سرمایه‌داری» به اخلاق در اقتصاد سرمایه‌داری با قرابت جدیدی از سرمایه‌داری در طراحی الگو (بیک حرفه، ۱۳۹۱)</p> <p>پیشرفت اسلامی تکمیل‌کننده الگوهای موجود پیشرفت (نوروزی، ۱۳۹۵)</p> <p>توجه به نقش ایمان در تدوین الگوی سلامت روانی (غباری بناب و نصرتی، ۱۳۹۴)</p> <p>ضرورت بازسازی کرامت اجتماعی بر مبنای تقوی و فضیلت (نبوی، ۱۳۹۵)</p>
	توجه به خوانشی واحد و مقبول	<p>توجه به مهم‌ترین مبانی معرفت‌شناختی مقبول اندیشمندان مسلمان (شاقرین، ۱۳۹۵)</p> <p>ساختارمند و انسجام‌بخشی به تعدد دیدگاه‌ها در خصوص الگو (حنفی‌زاده و محرابیون محمدی، ۱۳۹۳)</p>
راه‌حل نظری	پیشرفت مبتنی بر فلسفه و فقه و کلام اسلامی	<p>نظریه وحدت در کثرت و کثرت در وحدت به‌عنوان بنیان نظری الگو (شتابدار و زمانی علی‌آبادی، ۱۳۹۴)</p> <p>حکمت متعالیه صدرالمآلهین پشتوانه فلسفی پیشرفت (لکزایی و همکاران، ۱۳۹۴)</p> <p>حکمت متعالیه با تأکید بر نقش کارگزاران و رهبران الهی و با هدف تحقق سعادت دنیوی و اخروی بنیان نظری الگو (لکزایی، ۱۳۹۵)</p> <p>پیشرفت جوامع از طریق مخاطب دستورات الهی بودن و فهم و اطاعت‌پذیری (مصلائی‌پور و امینی، ۱۳۹۲)</p> <p>استفاده از ظرفیت فقه معطوف به عقل و جامعه (شیرخانی و ابراهیمی ورکیانی، ۱۳۹۷)</p>
	توجه به رابطه اخلاق و عرفان در پیشرفت	<p>پیشرفت در الگو رابطه اخلاق (جدادی عالی، ۱۳۹۵)</p> <p>عرفان اسلامی مبنای انسان‌شناسی الگو (رودگر، ۱۳۹۳)</p>

مقولات ۲	مقولات ۱	مفاهیم مستخرج از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده
	مردم‌سالاری دینی	<p>توجه به شاخص‌های مردم‌سالاری دینی در اسناد بالا دستی به‌عنوان محور توسعه سیاسی (کنعانی، ۱۳۹۶)</p> <p>ویژگی‌های عدالت، اصول‌گرایی، قانون‌گرایی، تحزب، دوری از فساد و نقش مردم در مردم‌سالاری دینی (هاشمی، ۱۳۹۱)</p> <p>تقویت مردم‌سالاری دینی هدف توسعه سیاسی (نظری و عیوضی، ۱۳۹۶)</p> <p>نظریه ولایت فقیه (طاهری، ۱۳۹۰)</p> <p>بیعت، مشورت و جهاد ساختار مشارکت و توسعه سیاسی در اسلام (خلوصی، ۱۳۹۱)</p>
راه‌حل سیاسی	حقوق و عدالت سیاسی	<p>شایسته‌سالاری به‌عنوان احقاق حق و مصداق عدالت سیاسی (سیدباقری، ۱۳۹۶)</p> <p>پیوند عدالت سیاسی و حقوق سیاسی الهی و توافقی مردم (موذن، ۱۳۹۱)</p> <p>التزام عملی به عدالت در حوزه بینش، گرایش، کنش رفتاری و کنش ساختاری (کریمی، ۱۳۹۱)</p> <p>پیشرفت سیاسی عدالت‌محور از دیدگاه اسلامی، فراگردی دوساحتی (دنیوی و اخروی) (معینی‌پور، ۱۳۹۵)</p> <p>مؤلفه‌های مدل جامع عدالت سازمانی در چهارچوب الگوی اسلامی - ایرانی (جعفرپور، ۱۳۹۰)</p> <p>پیشرفت مبتنی بر عدالت ولایی (زریباف، ۱۳۹۲)</p> <p>عدالت در کانون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (افجه‌ای و جعفرپور، ۱۳۹۰)</p>
	حکمرانی مدرن، کارآمد و جهادی	<p>حکمرانی مسئولانه مبتنی بر فناوری اطلاعات در جهت نیل به الگوی اسلامی ایرانی (پورعزت و عبدی، ۱۳۹۸)</p> <p>نقش رهبری سازمانی اسلامی در تحقق اثربخشی سازمانی (بانسی، ۱۳۹۰)</p> <p>مدیریت جهادی ابزار ارتقا کارآمدی (برزگر، ۱۳۹۶)</p> <p>ویژگی‌های تخصصی و تعهدی کارگزاران (خسروانی و دیگران، ۱۳۹۶)</p> <p>توجه به مؤلفه‌های عقیدتی و همچنین توانمندی‌های کاری و</p>

مقولات ۲	مقولات ۱	مفاهیم مستخرج از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده
		اخلاقی در گزینش کارگزاران (پورسعید و عاشوری، ۱۳۹۳)
	مبتنی بر فقه سیاسی شیعی	استفاده از ظرفیت فقه معطوف به عقل و جامعه (شیرخانی و ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۹۷) تحول فقه بر اساس توجه به عقل، مصلحت و مقاصد شریعت (علیدوست، ۱۳۹۳)
راه‌حل‌های اقتصادی	ضرورت اصلاحات ساختاری و دانش‌پایه برای رشد درونزا	اصلاحات ساختاری برای مقابله با رانت (توسلیان، ۱۳۹۳) پیش شرط ضروری پیشرفت در اقتصاد رانتی ایران، قبل از هر چیز حذف رانت نفت از طریق تغییر جایگاه نهادی آن است. این امر از طریق تدوین سیاست‌های کلی اصل چهل و پنجم قانون اساسی میسر است (حیدری و دیگران، ۱۳۹۵) معیار شاخص‌های اقتصاد اسلامی با توجه به قانون اساسی ضرورت همخوانی الگو با قانون اساسی (مصطفوی، ۱۳۹۷) لزوم عطف توجه به نقش و جایگاه نظام مالی اسلامی (صادقی و محسنی، ۱۳۹۲) ضرورت اصلاح نظام مالیاتی (جعفری صمیمی و لعل خضری، ۱۳۹۵) ضرورت اصلاح اقتصاد بخش عمومی (جعفری صمیمی، ۱۳۹۴) بهبود کیفیت نهادهای رسمی و غیررسمی مرتبط با تجارت خارجی تنها راه رشد صادرات غنی نفتی (حسنی قره‌تپه، ۱۳۹۲) پیوند مؤثر بین رعایت رفتار مصرفی صحیح و رشد و توسعه پایدار (دانش‌پور، ۱۳۹۴) شکل‌دهی نگرش جدیدی در مقوله مصرف بر اساس موازین فقهی و اعتقادات دینی جامعه (دانش‌پور، ۱۳۹۴) هدف تقویت قدرت اقتصادی درونزا، است (قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵) اقتصاد معطوف به الگوی اسلامی ایرانی به عنوان یک اقتصاد دانش‌بنیان (هندی و رکانه، ۱۳۹۳) توسعه پایدار گردشگری جمهوری اسلامی ایران توسعه

مقولات ۲	مقولات ۱	مفاهیم مستخرج از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده
		پایدار دانش‌بنیان و دین‌محور است (صداقت، ۱۳۹۷) اقتصاد مبتنی بر اقتصاد دانشی، عدالت‌محور و اسلامی (قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵)
	کاهش شکاف‌ها و عدالت اقتصادی فراگیر	توجه به پیشرفت منطقه‌ای موجب افزایش تولید، ارتقاء بهره‌وری، ارتقاء دانش و فناوری و ارتقاء رفاه عمومی می‌شود (عبدالملکی، ۱۳۹۱) اقتصاد اسلامی اقتصاد عدالت‌محور (قاضی میرسعید و تاج‌آبادی، ۱۳۹۵)
	معطوف به ارزش‌های دینی و اخلاقی	رویکرد مبنایی، تنها راهکار برای بومی‌سازی اقتصاد و شرط لازم برای ساختن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (درخشان، ۱۳۹۱) مردم‌سالاری اقتصادی معطوف به ارزش‌های دینی (یوسفی، ۱۳۹۴) اقتصاد انسان‌مدار دینی جایگزین اقتصاد سرمایه‌مدار (دلالی اصفهانی و بخشی دستجردی، ۱۳۹۵)
راه‌حل‌های فرهنگی اجتماعی	ارتقا بنیان خانواده	ضرورت تدوین شاخص‌های سلامت خانواده مبتنی بر فرهنگ بومی و ارزش‌های دینی (احمدی، ۱۳۹۵) رسیدن به حیات طیبه نیازمند ارتقا بنیان خانواده (میرخانی، ۱۳۹۴)
	رشد معنویت و دین‌داری	پیشرفت فرهنگ بنیاد (مظاهری و کافی، ۱۳۹۴) لزوم توجه به سند مؤلفه‌های هویت ملی ایران (عیسوی و زریباف، ۱۳۹۵) توجه به شاخص‌های پیوسته‌های فرهنگی (قادری، ۱۳۹۲)
	تقویت سرمایه اجتماعی	توجه به نقش مردم و سرمایه اجتماعی (ردادی، ۱۳۹۴) تعامل دو جانبه پویای پیشرفت و فرهنگ (مظاهری و کافی، ۱۳۹۴)
	ایجاد فرصت‌های برابر و عدالت اجتماعی	اهمیت و ساحت‌های چندگانه عدالت اجتماعی (میرسندسی، ۱۳۹۴) تحقق آزادی به‌عنوان یک ارزش فطری در بستر توزیع برابر

مقولات ۲	مقولات ۱	مفاهیم مستخرج از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده
		<p>ارزش‌ها و فرصت‌ها (ابطحی و دیگران، ۱۳۹۴)</p> <p>تقویت پیوندهای روستایی - شهری (توکلی و یادی وند، ۱۳۹۵)</p> <p>توسعه روستایی مبتنی بر فرهنگ بومی و مبانی اعتقادی (توکلی و یادی وند، ۱۳۹۵)</p> <p>ضرورت توجه به شرایط خاص انسانی و طبیعی مناطق مختلف (نوروزی اورگانی، ۱۳۹۳)</p>
<p>راهکارهای علمی تکنولوژیک</p>	<p>رویکرد مثبت به علم و خرد و تجربه بشری</p>	<p>ضرورت پیوند دین و علم و خرد و تجربه بشری (شاکرین، ۱۳۹۳)</p> <p>ضرورت توان مدیریت تکنولوژی توسط انسان‌های صالح (سلیمی فر، ۱۳۹۳)</p> <p>توجه به نقش نجبگان در تدوین الگو و عوامل مؤثر بر مشارکت آنها (حسینی و دیگران، ۱۳۹۴)</p> <p>شناسایی فراروندهای فناوری اطلاعات و ارتباطات قابل توجه در آینده‌نگاری صنعت دفاعی در جهت نیل به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (پورعزت و عبدی، ۱۳۹۷)</p>
	<p>تقویت نظام علم و فناوری با اثرپذیری از مبانی بینشی و ارزشی و حیانی</p>	<p>ضرورت علم و عالم متصل به دین (سرآبادانی و طباطبائیان، ۱۳۹۴)</p> <p>ضرورت تحول در آموزش‌های دانشگاهی مبتنی بر حکمت (فاتح‌راد و نقوی، ۱۳۹۳)</p>

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

## ۵. تجزیه و تحلیل

در این پژوهش با ترکیب داده‌ها به نظریه‌ای برای توصیف و تبیین الگوی اسلامی ایرانی رسیده‌ایم اصولاً نظریه‌ها دانش علمی در توصیف و تبیین واقعیت‌ها در جهان می‌باشند. مقصود اصلی یک نظریه فهم یک پدیده یا رویداد و همچنین تبیین علل آن و نوع ارتباط آن با پدیده‌های دیگر است (حسینی، ۱۳۸۷، ص. ۴). در این راستا و با استفاده از ظرفیت روش فراترکیب و پایه مفهوم‌سازی و مقوله‌ای‌کردن و به ویژه با تشکیل خوشه‌های مقوله‌ای و بالاخص با کشف پدیده، به تدریج متوجه مفصل‌های یک

نظریه هویدا شده است و به بیان گلیسر شاهد ظهور یک نظریه از دل داده‌ها و معانی انتزاع شده یک موقعیت انسانی و اجتماعی خواهیم بود (فراستخواه، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۶). و این اتفاق در زمانی است که کار هم خانواده‌سازی معانی و مفاهیم را به کمال رسانیده است و و پدیده هسته‌ای و مرکز قضایا آشکار شده است و پیکره مفهومی یا سامانه معنایی منظمی فراهم شده که می‌تواند موجودیت‌ها فرایندها، ربط علی و پدیده موضوع پژوهش در یک موقعیت خاص را به نحو افق‌گشایی توضیح بدهیم که این نظریه توضیح‌دهنده ابعاد زیر از پدیده است:

#### ۵-۱. شکل محوری اندیشه الگو

این نظریه برای توضیح چرایی شکل‌گیری الگوی اسلامی ایرانی هر چند بر مقولات مختلفی تأکید دارد اما از این مقولات مختلف، می‌توان یک فرامقوله محوری را انتزاع کرد که توضیح‌دهنده مقولات در سطوح پایین‌تر نیز خواهد بود و آن فرامقوله «مشکلات فراروی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران» است. در واقع جان کلام استخراج شده از داده‌ها در این مقولات آن است که طی چهاردهه گذشته، جمهوری اسلامی به‌عنوان تجلی تفکر بخش غالب جریان اسلام سیاسی با مشکلات مختلف نظری و عملی مواجه بوده است که این امر موجب حرکت‌های زیگزاگی و فراز و نشیب در اتخاذ رویکردهای مختلف در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گردیده است و موجب خرده‌مقولاتی همچون عدم جامعیت گفتمانی در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه و همچنین ناهم‌سازی درونی در پیوند عناصر دینی و مدرن و ضعف کارآمدی در بخشی از عرصه‌ها به خصوص حوزه اقتصاد و در نتیجه ایجاد فاصله با آرمان‌های مطلوب انقلاب شده است. برای درک واقعی و عینی از آنچه که عملاً طی چهار دهه گذشته اتفاق افتاده است می‌توان یافتن مضامین مشهود و مکنون روندهای چهاردهه گذشته را مورد بررسی قرار داد. که بر اساس آن‌ها، روندهای حاکم نشان می‌دهد که تلاش برای پیوند بین مذهب، ملیت و مدرنیته با محوریت اسلام اجتهادی و عقلانی در ابعاد مختلف با فراز و نشیب طی سال‌های بعد از انقلاب تداوم داشته است اما این تلاش‌ها هنوز موفق به ایجاد پیوندی باثبات بین دین و فرهنگ بومی و مظاهر قابل پذیرش تمدن جدید نشده است، به‌طوری‌که در این سال‌ها

مؤلفه‌های مدرنیزاسیون تقویت شده که می‌توان مصداق آنها را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و توسعه اقتصادی به خوبی مشاهده کرده، اما پیوند قابل دفاعی با ارزش‌های دینی و بومی برقرار نکرده است. که این وضعیت برای رهبران دینی و انقلابی در ایران نگران‌کننده است. لذا محققان تلاش می‌کنند به اصلاح و انسجام‌بخشی به الگوی نوگرایی دینی بپردازند تا گامی برای ریشه‌یابی و ارائه راه‌حل برای حل اساسی این مشکلات در قالب یک نقشه راه با عنوان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بردارند.

#### ۲-۵. مفهوم محوری تبیین‌کننده ریشه مشکل

این نظریه مبتنی بر مقولات مستخرج از یافته‌های پژوهش‌ها ریشه اصلی مشکلات و به صورت خاص مشکل ضعف انسجام نظری را در خوانش‌های مختلف از اسلام و پیوند آن با تجدد می‌داند و لذا بر یک مفهوم محوری که می‌توان آن را «محوریت خوانش اسلام سیاسی فقهی» نامید تأکید دارد. در واقع، این مقوله انتزاع شده از چهار مقوله مستخرج از یافته‌ها و کدهای اولیه است از یک سو در بردارنده تأکید بر تفاوت‌های نظری و بنیانی اسلام و غرب است که مصادیق آن را می‌توان در معرفت‌شناسی، جهان‌بینی، انسان‌شناسی و بنیان‌های فلسفی و کلامی همچون توحید و تفاوت اومانیزم و خدامحوری و نوع رویکرد به رابطه دین و دنیا و ماهیت و نیاز و غایت انسان به خوبی مشاهده کرد. همچنین این مقوله اصلی در بردارنده مقوله تلاش برای تکمیل و رفع خلأها و ضعف‌های تمدن جدید می‌توان دانست به این معنا که اسلام سیاسی فقهاتی مخالف تجدد نیست بلکه آن را پروژه‌ای ناقص و مبتنی بر انسان‌شناسی ناقصی می‌داند که دارای دستاوردهای مثبت و منفی می‌باشد و باید به گزینش و تصرف در آن پرداخت اما تقلید کامل از آن را نمی‌پذیرد و ظرفیت‌های فقهی شیعه با تأکید بر عقل و اجتهاد زمینه تصرف و اقتباس را فراهم می‌آورد.

#### ۳-۵. مقوله محوری تبیین‌کننده غایت الگو و آرمانشهر

فرامقوله دیگری که در این خصوص از مقولات مختلف می‌توان استخراج کرد مقوله زیست مطلوب و معطوف به تعالی می‌توان نامید. این فرامقوله از مقولاتی همچون

حیات طیبه، تمدن از اسلام جامعه مهدوی، جامعه علوی و مدینه فاضله انتزاع شده است. در واقع، در تمامی این مقولات تأکید شده که هدف نهایی زیستن مؤثر و شادمانه و در حال تعالی در این جهان می‌باشد که این امر نیازمند بسترهای لازم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی است. در واقع، غایت این الگو فراهم آوردن بستری دنیوی است که در آن انسان‌ها بتوانند ضمن رفع نیازهای مشروع به تعالی ابعاد معنوی خود بپردازند با روحی متعالی دنیا را به سوی آخرت ترک کنند.

#### ۴-۵. مقوله محوری تبیین‌کننده راه‌حل‌ها

بر این مقولات، راه‌حل‌های مختلفی برای عرصه سیاست اقتصاد، فرهنگ و رشد علم و فناوری به‌عنوان مصادیق مهم پیشرفت در جامعه مطرح شده است که در قالب چند مقوله کلان می‌توان آنها را مطرح ساخت. فرامقوله عرصه سیاست را می‌توان «مردم‌سالاری فقهی ولایی کارآمد» نامید که در واقع، دربردارنده مقولاتی همچون عدالت سیاسی، مدیریت جهادی دموکراسی دینی محوریت فقه و اجتهاد، امت‌گرایی است و ارائه راه‌حلی برای چالش‌های سیاسی طی چهار دهه گذشته محسوب می‌شود. کارآمدی در عرصه سیاسی، ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف و در نهایت مدیریت جهادی و عدالت سیاسی همواره از دغدغه‌های مهم بوده است. بر این اساس، ترکیب این یافته‌های پژوهشی را می‌توان در فرامقوله مذکور تجسم بخشید.

در عرصه اقتصادی نیز تأکید بر مفهوم محوری همچون «تحقق قدرت اقتصادی درون‌زا معطوف به عدالت» است که از فرامقوله‌هایی همچون: رشد درون‌زا، عدالت اقتصادی و دانش‌پایگی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی و... انتزاع شده است که پاسخی به پاشنه آشیل و ضعف اصلی دولت‌ها طی چهار دهه گذشته در جمهوری اسلامی بوده است. در واقع، معتقدند که انسجام نظری و حکمرانی کارآمد باید در غلبه بر چالش‌های اقتصادی و شکل‌دهی به اقتصاد مقاوم در مقابل تکانه‌های جهانی تجلی یابد. در عرصه فرهنگی می‌توان مفهوم محوری را حفظ هویت اسلامی ایرانی دانست که از مقولاتی همچون: تقویت دین‌داری، حفظ بنیان خانواده، ارتقاء سرمایه اجتماعی، توسعه متوازن اجتماعی و استخراج شده است. به بیان دیگر، دغدغه اصلی، نگرانی از ضعف هویت‌های ملی و دینی و فرهنگی و ملی جامعه می‌باشد که در قالب فرامقوله

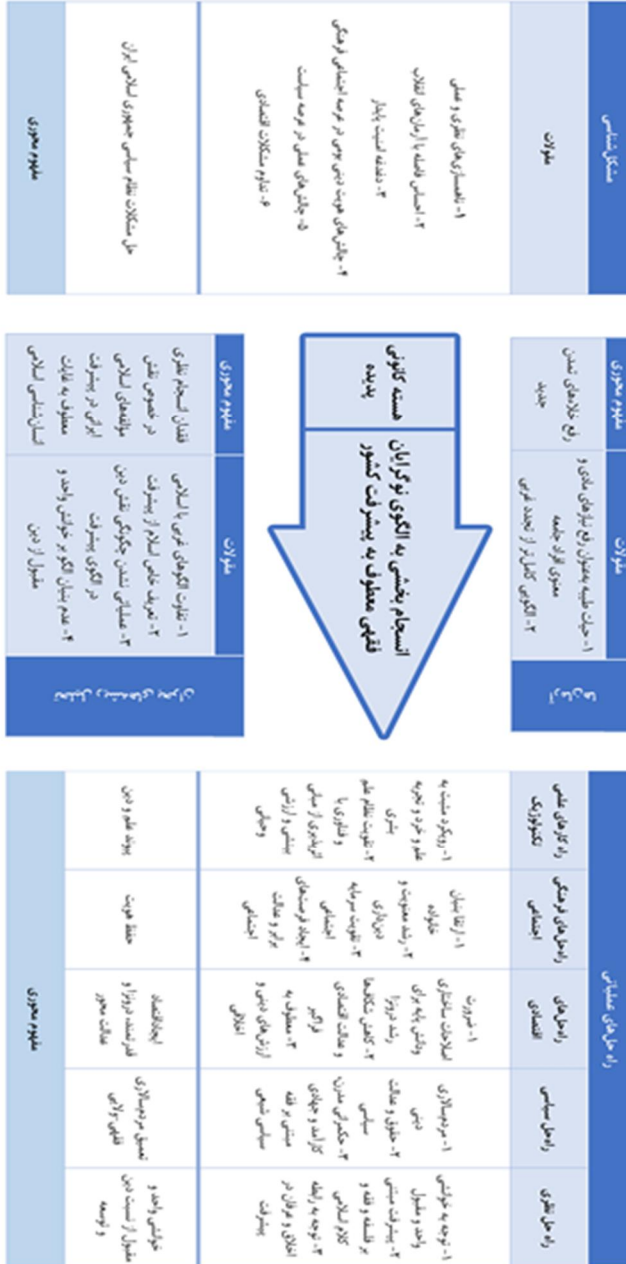


«تقویت هویت اسلامی ایرانی» می‌توان آن را استخراج مطرح کرد. در عرصه علم و فناوری نیز پیوند علم و دین در راستای رفع نیازهای کشور را می‌توان مفهوم محوری دانست که نشان‌دهنده تکرار شعارهای نوگرایان دینی است. یعنی تأکید بر اهمیت علم و فناوری، استفاده از تجارب تاریخی معطوف نیازهای جامعه اسلامی و دغدغه علم دینی که عمده‌تاً در حوزه علوم انسانی مطرح بوده و تلاشی برای کارآمد کردن جهت رفع نیازهای جامعه دینی می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مذکور اگر مقولات حل چالش‌های جمهوری اسلامی «تقویت خوانش اسلامی سیاسی فقهی»، «مردم‌سالاری فقهی ولایی کارآمد»، «قدرت اقتصادی» تقویت هویت دینی و ملی و «هم‌سویی با علم و فناوری» را مقولات اصلی مستخرج از یافته‌ها بدانیم، می‌توانیم مقوله‌های مرکزی بالاتری از این فرامقوله‌ها انتزاع کنیم که آن را «نقشه‌ای منسجم و نظری برای ارتقاء قدرت ملی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران» بنامیم. در واقع، الگو نقشه راهی برای حرکت در مسیر ارتقاء قدرت ملی و بین‌المللی ایران اسلامی است و هر چند در صدد تغییر اهداف، آرمان‌ها و بخش مهمی از ساختارهای موجود نیست، اما رویکردی رفرمیستی و اصلاح‌طلبانه داشته و در صدد رفع ضعف‌ها و خلأهای نظری و اصلاح بخشی از ساختارها و یکپارچه‌سازی خوانش‌ها از اسلام سیاسی فقهی و کاربست نقش دین از طریق این خوانش‌ها در عرصه‌های مختلف می‌باشد که می‌توان این نظریه را در نمودار ذیل نشان داد که می‌تواند الگوی اسلامی ایرانی را تبیین کند.

شکل شماره (۲): سامانه نظری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



## یادداشت‌ها

۱. تقدیر و تشکر: این مقاله مستخرج از پژوهشی با عنوان «علوم انسانی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» است که در سال ۱۳۹۹ و در قالب طرح اعتلاء علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به اتمام رسید. بدین‌وسیله از مدیریت محترم وقت پژوهشگاه بابت حمایت صورت گرفته تشکر می‌شود.

۲. در این مقاله همچنین از یافته‌های ۷۵ مقاله منتشر شده، ۱۷ رساله دکتری و نیز ۳۱ کتاب و تک‌نگاشت منتشر شده توسط مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت استفاده شده است که نام نویسندگان و تاریخ انتشار آنها در پیشینه‌پژوهی این مقاله ذکر شده است اما با عنایت به حجم بالای منابع استفاده شده در این پژوهش، امکان ذکر اطلاعات کتابشناسی این حجم از منابع به علت محدودیت حجم یک مقاله علمی مقدور نمی‌باشد؛ لذا، علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت اطلاعات تکمیلی به متن اصلی پژوهش در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مراجعه نمایند.

## کتابنامه

- آوینی، مرتضی (۱۳۷۶). *توسعه و میانی تمدن غرب*. تهران: نشر ساقی.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۸۲). *فهم نظریه‌های سیاسی*، (فرهنگ رجایی، مترجم). تهران: نشر آگه.
- اندیشه نوین اسلامی (۱۳۵۹). *گفتارهای در تبیین رویکردی فکری سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی*. به کوشش سیدمحمد میرباقری، قم: نشر تمدن نوین.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۲). *آخرت هدف نهایی انبیاء*. تهران: نشر نهضت آزادی.
- بولارد، سیدنی (۱۳۵۴). *اندیشه ترقی*، (حسین اسدپور، مترجم). تهران: نشر امیرکبیر.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۵). *ایرانیان و اندیشه تجدد*. تهران: نشر فرزانه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *شریعت در آیین معرفت*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۸۷). *نظریه پردازی: مفاهیم و استلزامات*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- داوری، رضا (۱۳۹۷). *خرد و توسعه*. تهران: نشر سخن.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۶۸). *فربه‌تر از ایدئولوژی*. تهران: نشر راد.
- سیف‌زاده، حسین، (۱۳۶۸). *نوسازی و دگرگونی سیاسی*. تهران: نشر سفیر.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۷). *تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر*. تهران: نشر مرکز.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه. تهران: نشر آگاه.

فوزی، یحیی (۱۳۸۰). *مذهب و مدرنیزاسیون در ایران*. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.  
فوزی، یحیی (۱۳۸۲). «بررسی مبانی نظری و توانایی‌های گفتمان اصلاح‌طلبانه اسلام‌گرایان شیعی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*. ۶۱(۳): ۱۷۳-۲۱۵.  
قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴). *نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *اسلام و مقتضیات زمان*. قم: انتشارات صدرا.

نصیری، مهدی (۱۳۸۱). *اسلام و تجدد*. تهران: نشر کتاب صبح.

وبر، ماکس (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*، (عباس منوچهری، مترجم). تهران: نشر مولی.

Aguirre, R. T. & Bolton, K. W. (2014). "Qualitative Interpretive Meta-Synthesis in Social Work Research: Uncharted Territory", *Journal of Social Work*. 14(3), 279-294.

Britten, N. & et al. (2002). "Using Meta Ethnography to Synthesise Qualitative Research: a Worked Example", *Journal of Health Services Research & Policy*. 7(4), 209-15.

Hegel, Georj. w. (1977). *Lectures on The Philosophy of World History*. by H.B. Nibest, Combridge University Press.

Mills, C. W. (1970). *The Sociological Imagination*. Harmondsowrt: Penguon.

Sandelowski, M. & Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. New York: Springer.

So, Alvin, Y. (1990). *Social Change and Development*. U.S: Sage Publication Ltd.

Webster, A. (1990). *Introduction to the Sociology of Development*. London: Macmillan Publication.

